



ملاصدرا شریعت را به عنوان «روح» سیاست و حکمت معرفی می‌کند

مکتب ملاصدرا به عنوان یکی از درخشان‌ترین کاوش‌ها در تاریخ فلسفه اسلامی، با تکامل تفکر فلسفی و عرفانی، ابعاد جدیدی از هستی و انسان را در اختیار ما قرار می‌دهد.

مکتب ملاصدرا به عنوان یکی از درخشان‌ترین کاوش‌ها در تاریخ فلسفه اسلامی، با تکامل تفکر فلسفی و عرفانی، ابعاد جدیدی از هستی و انسان را در اختیار ما قرار می‌دهد.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: اول خرداد، روز بزرگداشت صدرالمتهلین شیرازی، یکی از برجسته‌ترین فلاسفه اسلامی و بنیان‌گذار مکتب حکمت متعالیه، در تقویم جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده است. او در عصر صفوی توانست با قرائت جدیدی از فلسفه، تحول چشمگیری در اندیشه‌های فلسفی و عرفانی ایجاد کند. ملاصدرا، با تأکید بر اصولی همچون حرکت در وجود و پیوند شریعت و حکمت، الگویی نو از فلسفه اسلامی ارائه داد که همچنان در جهان معاصر قابل توجه است. این گزارش به بررسی دریافت‌های ملاصدرا از مکاتب فلسفی گذشته و تفاوت‌های مکتب وی با آنها خواهد پرداخت و همچنین نسبت اندیشه سیاسی او را با جهان مدرن امروز تحلیل خواهد کرد.

ملاصدرا به وضوح تحت تأثیر مکاتب مختلف فلسفی قرار داشت و به ویژه از حکمت مشاء، حکمت اشراق و عرفان اسلامی بهره جست. رویکرد او به این مکاتب به زبان فلسفی خاصی که خود بنیان‌گذار آن بود، چشم انداز جدیدی را به ارمغان آورد.

او از نظرات افرادی چون فارابی و ابن سینا استقبال کرد و بر اساس آثار آنان، نظریات خود را شکل داد. در فلسفه مشاء، حرکت به عنوان یک ویژگی اضافی و نه بنیادین در نظر گرفته می‌شود. ملاصدرا با نقد این دیدگاه، حرکت را به عنوان اصل بنیادی در هستی و وجود معرفی می‌کند. او تأکید دارد که حرکت باید در ذات اشیا و نه فقط در اعراض قابل مشاهده باشد، و این امر به درک عمیق تری از وجود و ماهیت اشیا منجر می‌شود.

تأثیر فلسفه اشراق نیز در آثار ملاصدرا مشخص است. شیخ شهاب الدین سهروردی، بنیان‌گذار این مکتب، تأکید بر نور و عقل را در اندیشه‌های خود قرار داده بود. ملاصدرا با پذیرش برخی از اصول شیخ شهید، به نحوی شایسته توانست میان حکمت مشاء و حکمت اشراق پیوندی عمیق برقرار کند. این تلفیق به او اجازه داد که به درک جامع تری از حقیقت و معرفت دست یابد و تصویری جدید از هستی به وجود آورد.

در کنار این فلسفه‌ها، صدرالمتهلین تحت تأثیر آموزه‌های عرفانی نظیر اندیشه‌های مولوی و ابن عربی نیز قرار داشت. این تأثیرات به او کمک کرد تا پیوندی عمیق بین حکمت و عرفان برقرار کند و بر اهمیت سیر و سلوک در رسیدن به حقیقت تأکید کند. ملاصدرا به نفی برخی از مظاهر تصوف و تأکید بر عرفان حقیقی، سعی در ایجاد بستری مناسب برای مباحث فلسفی خود داشت.

تفاوت‌های مکتب ملاصدرا با مکاتب فلسفی گذشته

یکی از ابداعات اساسی ملاصدرا، اصل حرکت در وجود است. او به صراحت بیان می‌کند که حرکت نمی‌تواند در سطح اعراض محدود شود و باید به ذات اشیا نفوذ کند. این تأکید بر حرکت در وجود، او را از فلاسفه پیشین جدا می‌سازد و به یک درک عمیق‌تر از وجود و ماهیت اشیا می‌رسد. ملاصدرا معتقد است که از طریق شناخت حرکت می‌توان به حقیقت هستی دست یافت و این اصل همانند یک خلاقیت بنیادی در آثار او جاری است.

یکی از ویژگی‌های بارز اندیشه ملاصدرا، ایجاد پیوندی عمیق بین شریعت و حکمت است. او شریعت را به عنوان «روح» سیاست و حکمت معرفی می‌کند و بر این باور است که سیاست بدون شریعت نمی‌تواند به حقیقت دست یابد. این نگاه رویکردی عمیق در فلسفه سیاسی است که از اهمیت اخلاق و اصول معنوی در اداره جامعه تأکید می‌کند. ملاصدرا علاوه بر تحلیل مفاهیم سیاسی، مسأله اخلاق و معنویت را در زندگی اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد.

آثار ملاصدرا به ویژگی‌هایی چون جامعیت و داوری مصلحانه معروف هستند. او از عقل، ذوق و وحی برای حل مسائل فلسفی بهره می‌گیرد و در این راستا به بسط و توسعه ایده‌های جدید می‌پردازد. این رویکرد به او امکان می‌دهد که نظرات مختلف را به شیوه‌ای مصلحانه ارزیابی کرده و صوتی جامع و پویا از فلسفه اسلامی را ارائه دهد. ملاصدرا نه تنها نظریه‌های پیشین را نقد

می کند بلکه آن ها را با رویکردی نوین و عمیق تر ترکیب می کند.

اندیشه سیاسی ملاصدرا و نسبت آن با جهان مدرن

اندیشه سیاسی ملاصدرا به لحاظ نظری، موضوعاتی چون سیاست، شریعت و اخلاق را به دقت مورد بررسی قرار داده است. او بر این باور است که سیاست باید بر اساس اصول و ارزش های اخلاقی شکل گیرد که ناشی از شریعت است. دو جنبه اصلی قابل توجه در اندیشه سیاسی ملاصدرا به شرح زیر است:

سیاست و شریعت: صدرا در آثار خود، رابطه ای ارگانیک بین شریعت و سیاست برقرار می کند و شریعت را به عنوان روح سیاست معرفی می نماید. او بر این باور است که با عدم وجود شریعت، سیاست در واقع از حقیقت و معنا تهی خواهد شد. به تعبیر او، سیاست می بایست بر پایه ارزش های اخلاقی و معنوی حاکم بر شریعت استوار باشد. این رویکرد در دنیای مدرن به نقد سیاست های سکولار و نیاز به بازگشت به اصول اخلاقی تأکید می کند و نشان می دهد که ارزش های معنوی چگونه می توانند در اداره جامعه مؤثر باشند.

انسان محوری و اختیار: صدرالمتألهین بر اهمیت انسان به عنوان موجودی مختار تأکید دارد. او انسانی را توصیف می کند که دائم در حال حرکت و تحول است و باید از عنصر اختیار خود بهره برداری کند. این دیدگاه در دنیای مدرن که به آزادی و اختیار انسان ها بها می دهد، بسیار قابل توجه است. ملاصدرا بر این نکته تأکید دارد که انسان با برخورداری از عنصر اراده، می تواند مسیر خود را در جهان تعیین کند و در این راستا به کمال برسد. از این منظر، اندیشه سیاسی ملاصدرا می تواند به انسان مدرن کمک کند تا در مسیر تحقق ایده های خود از قبیل آزادی و عدالت گام بردارد.

می توان گفت مکتب ملاصدرا به عنوان یکی از درخشان ترین کاوش ها در تاریخ فلسفه اسلامی، با تکامل تفکر فلسفی و عرفانی، ابعاد جدیدی از هستی و انسان را در اختیار ما قرار می دهد. با توجه به پیوند عمیق سیاست و شریعت، و تأکید بر رعایت اصول اخلاقی، گزینش های ملاصدرا همچنان در دنیای مدرن معنا و اهمیت دارد. این اندیشه ها گامی است برای طراحی نظام های سیاسی مبتنی بر ارزشی انسانی و اخلاقی در راستای بهبود وضعیت اجتماعی و انسانی.

اندیشه سیاسی ملاصدرا نمی تواند به سادگی به عنوان یک مکتب تاریخی در نظر گرفته شود، بلکه باید آن را به عنوان یک گفتمان زنده در عصر مدرن در نظر گرفت که می تواند به بسیاری از مسائل معاصر پاسخ های مبتنی بر ارزش های انسانی و معنوی ارائه دهد.